

معرفی و با اختلال چند همسری بودنش نمادین می‌شود، و رویارویی میرزا با سه و جه از ساحت‌های شخصیتی‌اش مسئله اصلی مجموعه می‌شود.

نظام روایی مردسالارانه در روایت زنانه

این مجموعه، با بازنمایی چندوجهی از زندگی میرزا، اهرمی است که قرار است ما را به پای درد دل زنانه ببرد که در طول تاریخ نادیده گرفته شده و با حقوق اولیه خود محروم مانده‌اند، و به جنبشی از دل تاریخ برود که قرار است نابرابری‌ها و مشکلات زنان را در طول تاریخ بیان کند.

لورا مالوی، از شاخص‌ترین نظریه پردازان نقد فمینیستی فیلم، به تاسی از آرای لاکان در زمینه درک و دریافت تماشاگر حین تماشای فیلم، از لذت مستتری سخن می‌گوید که در فرم روایی نظام مردسالارانه فیلم وجود دارد؛ فیلمی که برای نگاه خیره مرد تهیه و تولید می‌شود؛ به این صورت که جنس مذکر به سوژه فعال روایت و جنس مؤنث به ابژه منفعلی که برای جنس مذکر تدارک دیده شده، تبدیل می‌شود. در نظر مالوی تماشاگر زن در مواجهه با این جنس از روایت، یا باید با قهرمان مرد همذات‌پنداری کند که صاحب آن نگاه خیره‌است و به همجنس خود به عنوان ابژه میل نگاه کند، یا باید موضعی خود آزارگرانه اتخاذ کند و خود را در جایگاه زنی در فیلم قرار دهد که ابژه میل و نیروی منفعل در روایت است.

در نگاه خیره مردانه، زن به مثابه یک منظره است که از نگاه مردانه تعریف می‌شود. با نگاهی به این مجموعه در چند قسمت پخش شده، زنان موجودات منفعل و عموماً در تیپیکال‌های متنوع و جذاب معرفی می‌شوند که در شکل‌گیری روایت بی‌تأثیر هستند. البته این تحلیل دامنه شروع و مقدمه‌چینی جریان مجموعه را شامل می‌شود. شاید در قسمت‌های بعدی این مجموعه روند دیگری در داستان رقم بخورد.

کورسوی امید

در این میان از دو شخصیت زنانه، که به درستی طراحی و اجرا می‌شوند، نباید چشم پوشاند؛ اولی شخصیت فرهنگی پروین اعتصامی و مواجهه‌اش با میرزا است که فارغ از تجسد نگاه مردانه روایت می‌شود. دومی شخصیت مرموز و زیرک دختر همسایه، که نمایشی از یک موتیف معناساز در مجموعه است.

به طور کلی، در این مجموعه شاهد روایتی زنانه از زبانی مردانه هستیم؛ روایتی مردانه و گوش‌کرکن که مردان را به جنگ علیه مردان برای احقاق حقوق زنان فراخوانده است. بر اساس نظریات لورا مالوی مخاطب زن در مواجهه با این آثار، با قهرمان مرد که همجنس و صدای او نیست یا با کاراکتر زن به عنوان نیروی منفعل، نمی‌داند کدام رویکرد را باید اتخاذ کند. البته این رویکرد از نظام روایتی مردسالارانه در تاریخ‌سازترین فیلم‌های جهان زیاد دیده می‌شود اما سؤال مهم این است که چگونه در مجموعه‌ای که با مضمون زنان و حقوق آن‌ها تولید شده است، به طریقه مواجهه زن با اثر توجهی نشان داده نمی‌شود. از نظر من، این مجموعه ساختمانی مستحکم و زیبا با فرمی خلاقانه‌ای سازد اما قابل سکونت نیست.



آن چه که در شخصیت میرزا به عنوان یک ترومای رنج‌آور توصیف می‌شود را می‌توان در خاطرات کودکی او یافت: انتظار خانواده از او به عنوان تنها پسر که باید نسل و خاندان آن‌ها را حفظ کند، و خاطرات زجرآوری که مدام باید در آن‌ها نقش یک مرد تمام‌عیار را بازی کند - بدون در نظر گرفتن امیال و خواسته‌های شخصی‌اش. عملکرد تروما در طولانی مدت، مانند خاطره‌ای است که در ذهن فرد تثبیت شده و باعث اختلال و رنج روانی شدید او می‌شود و فارغ از چگونگی تلاش فرد در توضیح عقلانی و بیان آن، مدام باز می‌گردد و رنج تکرار می‌شود

شخصیت‌شناسی فروید است. در این داستان، تقابل زوایای پنهان و عیان میرزا در سه ساحت نمایش داده می‌شود. کابوس‌های میرزا، ضمیر ناخودآگاه او است که در تضاد با رفتار اجتماعی عیان می‌شود. میرزا در اعماق وجودش با جنس مؤنث در صلح است و از جامعه مردسالارانه وحشتی دائمی دارد، و با این کشمکش درونی در تقابل خود و وظایف اجتماعی‌اش قرار می‌گیرد که باید ادامه‌دهنده نسل و خاندان خود باشد. و مأموریتی که جایگاه نمود رسالت انسانی‌اش است، و برای تحقق آن باید از تقابل‌های پیشین سربلند بیرون بیاید.

میرزا بستری است که حامل جریان‌های مهم اجتماعی و حرکت‌های ملی ایران دیرپو تا به امروز است و کارزار این مجموعه تقابل و جنگ میرزا در میان سه ساحت شخصیتی خود است؛ او که باید بین این دو نیرو از ساحت‌های شخصیتی‌اش تعادل ایجاد کند. مأموریتی که از سوی وزارتخانه بر عهده میرزا گذاشته شده، این دو ساحت از شخصیت میرزا را به جنگی دیدنی بدل می‌کند. این که در نهایت کدام وجه از میرزا به پیروزی می‌رسد را باید در خواب‌ها و رؤیاهای او جست‌وجو کرد، چرا که خواب و رؤیا سیطره وجودی ضمیر ناخودآگاه میرزا را نمایان می‌کند که در آن زنان حاکم هستند و مردان به عنوان نیرو و دشمنانی متخاصم در صدد نابودی میرزا هستند، و داستان گویای تقابلی از امیال، ایده‌ها و آرمان‌هایی است که شخصیت را به مرز تحول و جنون می‌کشاند.

آرایش بی‌نظیری از یک شخصیت نویسنده با خلق کاراکتری ساختارمند هدف او را در تمامی لایه‌های روایت مستتر می‌سازد، اسکلت محکمی را برای روایتی هدفمند آغاز می‌کند، تمام هنر خود را بر پایه‌های علمی و روانشناختی بنا می‌کند و در این گام فاصله‌های قابل توجه با دیگر شخصیت‌ها و آثار کمدی ایران می‌گیرد؛ چیزی که در خلق آثار کمدی ایرانی به بی‌رحمانه‌ترین شکل نادیده گرفته می‌شود. محمد رحمانیان در ارائه ساختمان شخصیت بی‌بدیل عمل می‌کند. در ادامه نیز گذر شخصیت از الگوی شخصیتی فروید تا تئوری نمادین شدن امر واقع از منظر لاکان، پیاده‌سازی می‌شود. امر واقع از منظر لاکان چیزی است واپس‌زده شده که در ناخودآگاه عمل و به شکل اختلال و تروما در واقعیت نمادین بروز می‌کند.

آن چه که در شخصیت میرزا به عنوان یک ترومای رنج‌آور توصیف می‌شود را می‌توان در خاطرات کودکی او یافت: انتظار خانواده از او به عنوان تنها پسر که باید نسل و خاندان آن‌ها را حفظ کند، و خاطرات زجرآوری که مدام باید در آن‌ها نقش یک مرد تمام‌عیار را بازی کند - بدون در نظر گرفتن امیال و خواسته‌های شخصی‌اش. عملکرد تروما در طولانی مدت، مانند خاطره‌ای است که در ذهن فرد تثبیت شده و باعث اختلال و رنج روانی شدید او می‌شود و فارغ از چگونگی تلاش فرد در توضیح عقلانی و بیان آن، مدام باز می‌گردد و رنج تکرار می‌شود. این مسئله به عنوان یک بسترتروما در شخصیت میرزا محمود

سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، درامی طنزآمیز را به تصویر می‌کشد که بازتابی است از ضمیر خودآگاه و ناخودآگاه ملتی که با مصائب زیرمتنی‌اش هنوز زنده است و همچون آینه‌ای تمام‌وجهی، ایران معاصر را نمایش می‌دهد؛ از فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌های عامیانه مردم کوچه بازار گرفته تا ادغام آن در مهم‌ترین تصمیمات سیاسی و اجتماعی روز و تأثیر و بازتاب آن در زندگی‌های خانوادگی. در این مسیر، عنصر محوری جنسیت حل‌نشده را، چون ترومایی پنهان، به عنوان مسئله اصلی خود برمی‌گزیند و قصد دارد از این ترومای آسیب‌زا در زیرمتن فرهنگی ایران پرده بردارد و علیه یک تبعیض جنسیتی همیشگی قد علم کند؛ به این منظور به سراغ خاستگاه شکل‌گیری این ترومای رود که ریشه‌های تاریخی دارد.

فرم و محتوا

حال باید دید انتخاب سبک کمدی به عنوان مسلط‌ترین فرم این مجموعه، می‌تواند حامل مناسبی برای ارائه این محتوا باشد یا انتخاب این سبک، یک سیاست رسانه‌ای در پیش تولید این مجموعه برای جذب مخاطب بیشتر است؟ ما حاصل مجموعه «شبکه مخفی زنان» از لحاظ فرم، آش‌شله قلمکاری است که دائماً در حال تغییر فرم بیانی روایت است. روایتگری آشفته باعث می‌شود که مخاطب نداند هر بار با چه رویکردی قرار است با اثر مواجه شود؛ طنز است؟ تاریخی است؟ اجتماعی است؟ تخیلی است؟ ترسناک است؟ کارآگاهی است؟ خلاقانه و ساختار شکن است؟ گویا در حال تماشای نمایشی هنری از هنرمندان کار کشته‌های هستیم که در حال کشف خلاقانه استعدادهایشان در زمینه‌های مختلف هستند و در این راه می‌خواهند ناجی صدای زنان ستمدیده‌های هم باشند که تاریخ روی آن سرپوش گذاشته است، و آن صدرا با بلندترین صدای مردانه فریاد بزنند: صدای زمخت و بلندی که زنان را آزار می‌دهد و در ترکیب بازی‌های اغراق‌شده مردانه گم می‌شود. در نهایت با طنزی که طنز نیست و هیچ گوشه‌ای برای کشف ندارد مواجه می‌شویم.

جنگ روانی و درونی

قهرمان مجموعه، میرزا محمود، از دل تعارضی تاریخی و جهانشمول می‌آید، که همواره در حال جداسازی دنیای زنان از مردان است، این سریال با کابوس‌های شبانه قهرمان شروع می‌شود. در طول سریال هم رؤیاهای قهرمان نمایش داده می‌شود؛ خواب‌هایی که معرف دنیای کودکی و علائق نادیده گرفته شده شخصیت است.

تعارض میرزا با ناخودآگاهش، ناشی از فشارها و سیاست‌گذاری‌های غلط اجتماعی است و همین بستر تقابل او را با خود، اطرافیان و جامعه فراهم می‌کند؛ تا جایی که کشمکش از سطح درون به سطح بیرونی گسترده می‌شود. از نظر فروید رؤیاهای افکار سانسور شده انسان در دنیای واقعی هستند. با این معیار، این دو سطح از کشمکش در تضاد با هم در دنیای داستان ادامه پیدا می‌کند. میرزا، نمایش الگویی تمام‌عیار از